

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله
الطیبین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله
تعالی فرجه الشریف.

بحث در دو شرط باقی مانده از شرایط باب بود که شرط اول این بود که آیا در آمر و
ناهی تکلیف شرط هست بلوغ شرط هست یا نه؟ نتیجه این شد که در این بحث قائل
شدیم به این که باید تفصیل بدهیم و این که مواردی که آمر و ناهی مکلف هستند ولو بالغ
نباشند ولی مکلف هست در این موارد امر و نهی بر او واجب است ولو بالغ نباشد. دو
دلیل بر این مدعا اقامه شد دلیل اول این بود که از یک طرف ادله‌ی امر به معروف و نهی
از منکر مطلق است «مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْوَ عَنِ الْمُنْكَرِ» شامل هم بالغین می‌شود هم
غیر بالغینی که ممیز هستند و عاقلند. شامل هر دو می‌شود از طرف دیگر دلیل مقید ما
که ادله‌ی اشتراط بلوغ باشد مثل «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ» و امثال این‌ها،
انصراف دارد نسبت به بعض از واجبات و محرمات. که در آن‌ها هم بخواهد بلوغ را شرط
کند مثل عزائم امور عرض کردیم. بنابراین از این طرف ادله‌ی امر به معروف اطلاق دارد
از آن طرف دلیل مخصص ما انصراف از بخشی دارد. بنابراین به اندازه‌ی خودش می‌تواند
تقیید کند اطلاقات ادله‌ی امر به معروف را، قهراً در مورد عزائم امور اطلاقات امر به
معروف را و نهی از منکر را تقیید نمی‌کند پس متمسک باطلاق مَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْوَ
عَنِ الْمُنْكَرِ به این که در موارد عزائم امور غیر بالغ هم وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از
منکر دارد اگر غیر بالغی می‌بیند که بیضه‌ی اسلام درخطر است و با امر به معروف و نهی
از منکر می‌تواند جلوی این کار را بگیرد یا احتمال می‌دهد تأثیر داشته باشد یَجِبُ علیه، اگر
می‌بیند هتک کعبه معاذ الله می‌خواهد بشود هتک قرآن شریف معاذ الله می‌خواهد بشود
فقط به این که بگوید من حالا بالغ نیستم اشکال ندارد نه در این موارد نه وظیفه‌اش این
است که، یا اگر می‌بیند قبایح شنیئه‌ی شرعیه می‌خواهد واقع بشود معاذ الله لواطی،
نمی‌دانم زنایی چیزی می‌خواهد واقع بشود و این با امر و نهی می‌تواند جلوی آن را
بگیرد این‌جا نمی‌تواند بگوید من بالغ نیستم بنابراین بی‌تفاوت باشد. یا بگوید بر من واجب
نیست. در این موارد بر او واجب هست این‌جور موارد برش وجوب شرعی است گفتیم
مَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْوَ عَنِ الْمُنْكَرِ، اطلاقیست همه را گرفت بنابراین ادله‌ی بلوغ باید ببینیم
تا چه مقدار تقیید می‌کند نسبت به این عزائم امور انصراف دارد تقیید نمی‌کند بله امور
عادی که از عزائم نباشد قهراً آن‌جاها روشن است که آن‌ها را تقیید می‌کند حالا ...

س: ...

ج: غیر ممیز نه معنا ندارد غیر ممیز قابلیت خطاب ندارد که بچه‌ی شیرخوار را شارع به او

بگویند مُروا بالمعروف و النہوا ...

س: ...

ج: نمی‌فهمد غافل است نه موضوع را که باید متوجه بشود و الا اگر موضوع را متوجه، حتی آدم عاقل خیلی عاقل هم موضوع را متوجه نشده وظیفه‌ای ندارد چون تنجز تکالیف به این است که هم صغری را بداند و هم کبری را بداند اگر بعد الفحص است قبل الفحص هم اگر صغری را باید بداند کبری را هم چون قبل الفحص است اگر وجود دارد منجز است برایش.

س: ...

ج: بله حالا این که عزائم چقدر هستند و چه مواردی را شامل می‌شود بین فقها اختلافی هست بعضی‌های آن از مسلمات است همه قبول دارند مثل قتل النبی، مثل هتک الکعبه، مثل این مثال‌هایی که، ولی بعضی جاها هم هست که بعضی می‌فرمایند که این‌ها از عزائم هست مثل غناء، غناء هم مرحوم صاحب عروة در عروة این را از عزائم امور می‌داند خود غناء، یک کسی موسیقی گوش می‌کند غناء گوش می‌کند می‌گوید این هم از عزائم امور هست باید جلوی آن را بگیرید این دیگر آن‌ها محل اختلاف است به فقیه به این که از ادله‌ی شرعیه باید استنباط بشود مثل کبائر، کبائر هفت تا هست هفتاد تا هست چقدر است این‌ها هم محل اختلاف است دیگر. این هم همین‌جور است عزائم امور از لسان شرع فهمیده می‌شود یا از ارتکازات عقلاییه و متشرعیه.

و دلیل دوم برای عدم اعتبار بلوغ این بود که یکی از ادله‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلیل عقلی است و حتی عده‌ای از بزرگان که منہم مرحوم امام رحمه الله بود اصلاً وجوب امر به معروف و نهی از منکر را امر عقلی می‌دانستند که قهراً اگر شرع هم واجب کرده تأسیسی نیست امضائی است در حقیقت.

س: ...

ج: بله ملتزم هستند می‌گویند این وجوب، وجوب عقلی است.

خب اگر اینطور گفتیم که وجوب عقلی است گفتیم از نظر دیدگاه عقل بلوغ شرط نیست برای این که تقریر دلیل عقلی بر این بود که یکی از تقریرهای آن، تقریرهای متعدد داشت که در سابق گفته شده دیگر ما آن‌ها را تکرار نمی‌کنیم یکی از دلیل‌های آن این بود که سکوت در مقابل کسی که او دارد هتک حرمت مولای حقیقی می‌کند به گناه، سکوت در مقابل او خودش هتک، کسی ببیند کسی دارد مولا هتک می‌کند هیچ واکنشی نشان ندهد او به آن کار قبیح دارد هتک می‌کند این به سکوت دارد هتک می‌کند. این مثال‌هایی هم زدیم دیگر توضیح دادیم این‌جا هم عرض کردیم این دلیل هم اقتضا می‌کند که بلوغ شرط نیست بله عقل و التفات و این‌ها قهراً شرط هست اما جواب این دلیل دوم را این دادیم که این حکم عقل، حکم معلّق است مشروط است به این که خود شارع اجازه نداده باشد خود مولا اگر گفته باشد که شما کار نداشته باش این‌جا دیگر این هتک نیست از ناحیه‌ی عبد، و اگر بگوییم ادله‌ی اشتراط بلوغ اطلاق دارد پس قهراً شارع می‌گوید من رفع قلم تکلیف از تو کردم من چیزی از تو نمی‌خواهم شما لازم نیست حرفی بزن، بنابراین دیگر نمی‌توانیم به این دلیل عقلی تمسک کنید بله اگر بگوییم آن اطلاقات باز انصراف دارد شارع در موارد عزائم امور ترخیص نداده قهراً آن دلیل عقلی هم علاوه بر «مروا

بالمعروف و النہوا عن المنکر» این دلیل عقلی هم در آن موارد پیاده می‌شود که بخاطر این دلیل عقلی باید امر به معروف و نهی از منکر بکند.

س: ...

ج: بله، دلیل عقلی اگر بود عزائم، فقط برای عزائم امور نبود همه‌ی مواردی که دارد هتک مولا می‌شود.

س: ...

ج: بله ثابت می‌کند، حالا اما حالا حدود و ثغورش چقدر است دیگر توی بحث‌های خودش.

این برای شرط اول.

«و اما الشرط الثانی» که این شرط اول راجع به آمر و ناهی بود شرط ثانی راجع به مأمور و منهی است که آیا در وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرط است که آن مأمور بالغ باشد یا آن منهی بالغ باشد یا نه این شرط نیست گفتیم در مسئله چند قول وجود دارد قول اول که قول معروف بین فقهاست این است که بلوغ شرط است بنابراین اگر شخص غیر بالغ مرتکب یک امر حرامی دارد می‌شود یعنی چیزی که حرام بر بالغین هست او دارد مرتکب می‌شود بر دیگران واجب نیست که نهی کنند او را یا امر کنند او را، بلوغ شرط است در مأمور و منهی. این مسلک معروف بین فقهاست و منهم صاحب الجواهر قدس سره که فرموده «نعم يُعتبرُ فی الأمر التکلیف كما أنَّه يُعتبرُ فی المأمور و المنهی» همان‌طور که در آمر بلوغ شرط است در مأمور و منهی هم بلوغ شرط است و دیگر هیچ استثنایی ایشان نفرموده تقییدی نفرموده. و لعلّ این قول، قول معروف بین فقها باشد اگرچه خیلی‌های آن‌ها در خود کتاب امر به معروف این شرط را بیان نفرمودند مثلاً محقق خوئی علی ما بیالی در منهاج الصالحین این شرط را بیان نفرموده ولی در صراط النجاة که استفتائات ایشان است استفتاء کردند از ایشان که «هل یجب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر علی غیر المکلف» این حالا این برای مسئله‌ی قبل است من این‌جا نباید می‌خواندم. این هم نمی‌دانم ایشان حالا، آن که استفتاء کردند همین بود که آمر و ناهی باید بالغ باشند بالاخره حالا صاحب جواهر و این مشهور بین فقهاست این مسئله.

س: ...

ج: حتی اگر ممیّز باشد. بله، این پسری است که فردا بالغ می‌شود امروز که هنوز بالغ نشده یا یک ساعت دیگر بالغ می‌شود قبل از این که بالغ بشود لایجب، یک کار منکر، می‌گوید حالا فرصت را مغتنم بشماریم یک ساعتی وقت داریم یک کار حرامی هم معاذ الله بکنیم. می‌گوییم بکن، و لازم نیست بر او.

س: ...

ج: این تفصیل نداده. این قول تفصیل نداده

قول ثانی این است که «لایشترط مطلقاً» اگر غیر بالغ هم کار حرامی را انجام می‌دهد یا ترک واجبی را دارد می‌کند این امر و نهی در آن‌جاها واجب است بزرگانی از علما قائل

به این قول دوم شدند که یکی‌شان را صاحب جواهر در جواهر نقل فرموده

س: ...

ج: حالا شما می‌فرمایید این‌ها فرمودند دیگر. حالا الان می‌گوییم حالا اجازه بدهید بخوانیم عبارات ایشان را مطالب ایشان را. حالا فعلاً یک مقداری باید صبر بکنیم ولو حرف خلاف عقیده‌ی خودمان را می‌شنویم صبر بکنیم حالا داریم فعلاً نقل اقوال می‌کنیم دیگر، نقل اقوال است.

در فقه القرآن راوندی جلد یک صفحه‌ی 359 «فإن قيل فمن يؤمر و يُنهى؟» ایشان مسائل امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان سؤال و جواب مطرح کرد «فإن قيل» جواب داده «فإن قيل» جواب داده به این شکل ترتیب داده مسائل امر به معروف و نهی از منکر را در همان فقه القرآن فرموده «فإن قيل فمن يؤمر و يُنهى؟» چه کسانی امر می‌شوند نهی می‌شوند؟ «قيل كلُّ مكلف و غير مكلف إذا هم بضرر غيره مُنع قيل كلُّ مكلف و غير مكلف إذا هم بضرر غيره مُنع» اگر یک غیر مکلفی اهتمام ورزیده به این که دیگری را آزار بدهد اذیت بکند «مُنع كالصبيان و المجانين و يُنهى الصبيان عن المحرمات حتى لايتعودها» فرموده است صبيان هم از محرمات باید نهی بشوند تا این که عادت به انجام آن محرمات پیدا نکنند می‌خواهد دروغ بگوید باید به او بگویی لا تکذب، می‌خواهد غیبت بکند باید به او بگویی لا تغتب، تا این که عادت به دروغ گفتن و غیبت کردن و سایر محرمات پیدا نکند می‌خواهد نگاه کند یادم می‌آید من شاید چهار سالم بود با مرحوم والد قدس سره حمام رفته بودیم. توی حمام آن‌جا آینده بود و عده‌ای ریش می‌تراشیدند پدر به من گفت به این‌ها نگاه نکن. اثر دارد دیگر بالاخره، از آن موقع می‌گوید به این‌ها نگاه نکن. که دارند کار خلاف انجام می‌دهند، حرام انجام می‌دهند.

خب می‌گوید این راوندی قدس سره فرموده «يُنهى الصبيان عن المحرمات حتى لايتعودها» کما يُؤخذون بالصلاة ليتمرنوا عليها» کما این که اخذ می‌شوند به نماز خواندن امر می‌شوند وادار می‌شوند تا این که تمرین کنند و نماز را به جا بیاورند در روزه هم هست که این‌ها امر می‌شوند حتی یک کسی گفت که آقا بچه‌ی ما... خدمت حضرت رضا علیه السلام گمان کنم عرض کرده به حسب آن نقل که فرزندى دارم روزه نمی‌گیرد فرمود چند سالش است؟ گفت هشت سالش است سبحان الله، هشت سالش است روزه نمی‌گیرد سبحان الله، بعد فرمود که... در آن‌جا حسب روایات دیگر هم شاید که اگر نمی‌تواند تمام روز را روزه بگیرد بخشی از آن را بگیرد و بعد غذا بخورد دوباره بخش دیگر را امساک بکند، که این حالت این در او پیدا بشود. بالاخره شارع مقدس برای تربیت نسل غیر بالغ خیلی اهتمام ورزیده در تهذیب شریف روایتی است که خدمت امام علیه السلام عرض می‌کند که من موفق به نماز شب نشدم حالا بعد از نماز صبح می‌خواهم غذا کنم چطور است؟ حضرت فرمود اشکالی ندارد ولکن به زن و بچه‌ات متوجه نشوند که فات و می‌خواهی قضاء بکنی. متوجه این نشوند که از تو فوت شده و می‌خواهی قضاء بکنی. ببینید می‌خواهد بگوید که یعنی بچه این‌ها نفهمند از بابایشان نماز شبش قضاء شده این را متوجه نشوند برای خاطر این است که خب می‌خواهد اسلام این‌جوری تربیت کند از اول این نهال‌ها این بچه‌ها این غیر بالغ‌ها تعوّد به ترک محرمات و انجام واجبات پیدا کنند این فرمایش محقق راوندی قدس سره در فقه القرآن هست. هم‌چنین فاضل

س: ...

ج: کدام مسئله؟ ایشان فرموده یُؤمر دیگر، گفته در همین بحث امر به معروف، حالا غیر آن است یا آن است حالا بحث می‌کنیم فعلاً این‌ها این مطلب را فرمودند.

در کنز العرفان که برای فاضل مقداد هست ایشان جلد یک صفحه‌ی 408 فرموده «و هنا فوائد الى أن قال الفائدة السادسة لا يُشترط في المأمور به و المنهى عنه أن يكون مكلفاً» دیگر این صریح‌تر از حرف قبلی است « لا يُشترط في المأمور به و المنهى عنه أن يكون مكلفاً فإنَّ غير المكلف إذا علَّم اضراره لغيره مُنع من ذلك» غیر مكلف ولو مجنون است ولو صبی غیر ممیّز است فضلاً از این که صبی ممیّز باشد اگر می‌بینی دیگری را می‌خواهد آزار بدهد مُنع من ذلك، «و كذلك الصبی يُنهی عن المحرمات لأن لا يتعوّد و يُؤمّر بالطاعة» حالا در عبارت راوندی نماز فقط بود این فرموده «و يُؤمر بالطاعة لیتمّر علیها» این هم فرمایش کنز العرفان است که صاحب جواهر این فرمایش کنز العرفان را آورده در جواهر. اما برای راوندی را نیاورده. و شخصیت سومی که باز این مسئله را فرموده مرحوم همّسی است دیگر در المنقذ که برای قرن هفتم است ایشان «إنّ الذی یجب أن یؤمر بالمعروف و یُنهی عن المنکر هو کلّ مکلف یختصّ بما ذکرناه من الشروط» کسی که واجب است امر بشود به معروف و نهی از منکر بشود هر مکلفی است که آن شروطی که ما گفتیم در او باشد، آن شروطی که احتمال تأثیر چه چه و چه آن شروط در او باشد.

«فأمّا غیر المكلف إذا رام الاضرار بغيره فإنّه یُمنع منه إن امکن و یجب منع الصبیان من محرّمات الشرع کشرب الخمر و غیره و ینهون عنها حتی لا يتعوّدوها و یؤمرن بالصلاة تمریناً لهم علیها».

این سه بزرگواری است که حالا به تتبع ناقصی که داشتیم این‌ها این فرمایش را فرمودند. که حالا ممکن است بعضی از آن‌ها را هم ما در مفسّسین بیاوریم ولی بعضی‌هایشان هم صریحاً فرمودند که فرقی نمی‌کند «لا يُشترط في المأمور به و المنهى عنه یكون مكلفاً» و لعلّ این که صاحب جواهر فقط این را اختیار کرده نقل کرده در جواهر و آن دو تا را نقل نکرده چون این اصرح از آن دو تا است در این که مطلقاً می‌گوید شرط نیست.

قول سوم تفصیل است به این که در غیر عزائم امور بلوغ، تکلیف شرط است اما در عزائم امور شرط نیست و یجب النهی. مرحوم امام قدس سره در تحریر الوسيله می‌فرمایند:

«لا یجب الامر و النهی علی الصغیر ولو کان مراهقاً ممیّزاً و لا یجب نهی غیر المكلف کالصغیر و المجنون و لا امره نعم لو کان المنکر ممّا لا یرضی المولا بوجوده مطلقاً یجب علی المكلف منع غیر المكلف عن ایجاده».

توضیح مطلب ایشان.... حالا یادم رفت آن دیروز آورده بودم امروز فراموش کردم بیاورم، تقریرات بحث طهارت مرحوم امام در این بحث که آیا خوردن و آشامیدن نجس یا متنجس به طفل چگونه است. در ذیل این مسئله ایشان فرموده است که... یک مطلبی را ایشان فرموده که این مطلب اصلش در کلمات دیگران هم هست اما به این تفصیلی که ایشان توضیح دادند و بیان فرمودند نیست. فرمودند که محرمات بر چهار دسته تقسیم می‌شود یکی آن محرماتی که ما از ادله‌ی آن می‌فهمیم که شارع لایرضی به این که این در خارج تحقق پیدا بکند به هیچ نحو من الانحاء مرضی او نیست که این در خارج، حتی من البهائم، تحقق این شیء، این کار، این فعل مبغوض شارع است «و لایرضی بتحقیقه فی

الخارج من أيِّ فاعلٍ» ولو آن فاعل انسان نباشد حيوان باشد. مثلاً فرض كنيد كه يك جايي است رل‌هاى قرآن چيده شده قرآن چيده شده اين‌جا لايرضى كه يك مرتبه يك گله‌ي گوسفندي نمى‌دانم گله‌ي گاوى بيايد پا بگذارى روى اين قرآن‌ها رد بشود اگر كسى بگويد كه اين‌ها كه حيوانند بگذار برونه نه اين‌جا لايرضى الشارع، عزائم امورى كه وجود دارد كه به هيچ وجه شارع لايرضى بتحقيق آن در خارج، اين قسم ايشان مى‌فرمايند كه بر هر كسى لازم است كه فاعلى مى‌خواهد اين را انجام بدهد ولو آن فاعل حيوان باشد جلويش را بگيرد اين قسم اول. پس بلوغ در آن‌جا چى شرط، در آن منهى و مأمور و ممنوع، در آن ممنوع بلوغ شرط نيست ولو غير بالغ باشد بالغ‌ها بايد جلوى او را بگيرند حتى ما اين‌جاها گفتيم غير بالغ‌ها هم بايد بگيرند عزائم امور اين‌چنين گفتيم وظيفه‌ي غير بالغ‌ها هم هست

س: ...

ج: نه همه‌جا، گاوها لازم نيست كارى بكنند.

و قسم ثاني در جايي است كه شارع «لايرضى بتحقيقه فى الخارج اما مع القصد و الاختيار» در آن قبلى لايرضى حتى بلاقصد، بلاختيار، در اين قسم ثاني لايرضى بتحقيقه مع القصد بالاختيار، اما بلاقصد و اختيار مغوضش نيست در اين‌جا هم بر انسان‌هاى كه هر كسى مى‌خواهد اين را انجام بدهد مع القصد و الاختيار مى‌خواهد انجام بدهد يجب الامر به معروف نهى از منكر اين شرايط است اما اگر بلاقصد و اختيار است اشكالى ندارد هيچ مبغوض شارع نيست فرض مى‌گيريم. اين هم قسم دوم.

قسم سوم در آن جايي است كه شارع لايرضى به تحقق اين در خارج «من الفاعل المختار و المكلف» آدم مكلف فاعل مختار راضى نيست عمداً بيايد اين كار را انجام بدهد اما اگر نه اطلاع ندارد مختار نيست يا چه نيست نه آن‌جاها را كارى ندارد مبغوضش نيست مثلاً فرض كنيد يك كسى خيال مى‌كند اين آب پاك است مى‌خواهد بخورد ما لازم نيست ما اطلاع داريم اين آب منتجس شده لازم نيست به او بگويم اين چيزى نيست بله استعمال و شرب ماء منتجس عالمناً عامداً مبغوض شارع هست اين نمى‌داند اشكالى برش نيست در روايت هست كه شبيه اين مورد كه امام باقر سلام الله عليه در حمام غسل مى‌كردند آب كه مى‌ريختند روى كمر شريف ايشان، يك بخشي از كمر را آب نگرفته بود يك كسى گفت آقا يك ذره مثلاً آن‌جاى كمرتان آب نگرفته حضرت فرمودند ما كان عليك، لازم نبود كه به من بگوئى حالا البته اين روايت دلالت نمى‌كند كه حضرت خبر نداشتند و بعد آب نمى‌ريختند مى‌خواستند مسئله ياد ما بدهند كه اگر مى‌بينى يكي دارد غسل مى‌كند حالا يك جاي آن باقى مانده تو لازم نيست به او اطلاع بدهى. اين به خدمت شما عرض شود كه مبغوض شارع نيست حالا اين ممكن است در همين‌جا حالا يا كسى كه اطلاع ندارد واقعاً جنباتش برطرف مى‌شود يا اگر هم برطرف نشد باشد شارع اين قدر به قول مرحوم آيت الله گلپايگاني خوارها نجاست به خورد مردم مى‌دهد با اصالة الطهارة و استصحاب طهارة و ...

قسم چهارم

س: ...

ج: آن‌جا در قسم دوم اين است كه هر كسى مع الاختيار و القصد دارد انجام مى‌دهد

س: ...

ج: ولو مکلف نباشد اما در این قسم سوم این است که از آدم‌های مکلف فلان از آن‌ها خواسته این‌جا اگر می‌بینیم یک کسی علی رغم این که مکلف است آگاه است دارد انجام می‌دهد امر به معروف و نهی از منکرش لازم است اگر شرایط وجود دارد و الا فلا،

قسم چهارم این است که شک داریم از عزائم امور هست یا نیست از آن قسمی که لازم المراجعة علی‌ایّ حال هست یا نیست؟ دلیلی بر هیچ طرف مسئله قائم نشده این‌جا هم ایشان می‌فرمایند وظیفه‌ای نداری.

س: ...

ج: بله شک داریم که چه جوری هست. حالا یا بین دو تای آن شک داریم که چه جوری هست.

این‌جاها لازم نیست و فرموده آن وقت استعمال نجس برای طفل از این قسم اخیر است که ما نمی‌دانیم به چه شکلی هست از این قسم اخیر است.

خب این توضیح مطلب، بر اساس این توضیحی که ایشان در آن‌جا دادند و فرمایشی که فرمودند که محقق خوئی هم در بحث صلاة قضاء که آن‌جا یک مسئله‌ای به این تناسب مطرح شده ایشان در آن‌جا هم فرمودند منتها ایشان محرمات را به دو قسم تقسیم کردند ایشان به چهار قسم تقسیم کردند از این جهت این اوفی است تا کلام محقق خوئی. حالا این‌جا در باب امر به معروف ایشان بر اساس آن مطلب همین را دارد می‌فرماید که اگر از عزائم امور بود که تعریف عزائم امور همین است که این‌جا ایشان فرموده مما لایرضی المولا بوجوده وجود این را نمی‌پسندد راضی نیست به هر نحوی دلش نمی‌خواهد این در خارج محقق بشود این‌جا ولو آن مأمور، آن منهی ولو طفل باشد ولو غیر بالغ باشد بلکه در مواردی ولو غیر عاقل باشد در این‌جا منع، امر و نهی چه هست؟ لازم است و الا، این یک تفصیل.

تفصیل دوم پس در حقیقت ارکان اقوال سه تا هست دیگر، یکی اشتراط، برای صاحب جواهر و مشهور فقها بود قول دوم عدم اشتراط که قدر متیقّنش فاضل مقداد بود که تصریح کرده آن دو تا بزرگوار هم ممکن بود بگوید قول سوم تفصیل است و المفصلون خودشان علی اقوال. یک تفصیل فرمایش مرحوم امام بود که بین عزائم امور و بین عزائم امور تفصیل دادند تفصیل دوم برای صاحب وسائل قدس سره هست.

س: ...

ج: حالا عرض می‌کنیم.

صاحب وسائل رحمه الله کأنّ از عبارت ایشان استفاده می‌شود که ما در واجبات چیزی نداریم که از غیر بالغ لازم باشد در واجبات، اما در محرمات فرموده کثیری از محرمات این چنین است که باید غیر بالغ منع بشود اگر می‌خواهد مرتکب بشود پس در واجبات کأنّ نداریم تفصیل بین واجبات و محرمات می‌شود در واجبات نداریم در محرمات کثیری از محرمات ایشان فرموده این چنین است. این بحث را ایشان در الفوائد الطوسیه مطرح فرموده در این بحث که چون ایشان مسلک اخباری را دارد قائل است به این که در

شبهات تحریمیه احتیاط باید کرد و در شبهات وجوبیه احتیاط نیست خلافاً للاصولیین که در هر دو می‌گویند احتیاط لازم نیست و برائت است اخباری‌ها در شبهات تحریمیه قائل به برائت نیستند احتیاط هستند در شبهات وجوبیه قائل به برائت هستند ایشان در این فائده این مسئله را مطرح کرد که ما الفرق بینهما؟ که شما آن‌جا قائل به احتیاط هستید این‌جا قائل به عدم احتیاط هستید بعد فرموده دوازده فرق بین این‌ها وجود دارد آن وقت تا می‌رسد به فرق عاشر در این مقام، فرموده «عاشرها أنَّ غير المكلف من الاطفال يُمنع كثير من المحرمات على (نمی‌دانم چی که کنارش نگرفته صفحه‌ی 432 فائده‌ی دوازدهم على المكلف است ظاهراً) كثير من المحرمات على المكلف» فرموده بسیاری از چیزهایی که حرام است بر مکلف‌ها، ولو این مکلف نیست ولو این صبیان مکلف نیستند اما وظیفه‌ی ما این است که جلوی انجامش را بگیریم نهی کنیم که انجام نده ولو حرام نیست بر او، اما وظیفه‌ی ما این است که جلوی او را بگیریم بله «يُمنع كثير من المحرمات على المكلف» بسیاری از چیزهایی که حرام است بر مکلف باید جلوی آن را هم بگیریم «مع أنَّها غير محرمه عليه» با این که بر او حرام نیست ولی ما باید جلوی او را بگیریم «و لا يُجبر على الواجبات» اما بر واجبات اجبار نمی‌شود بر انجام واجبات اجبار نمی‌شود ولی بسیار از محرمات بر مکلفین یمنع، بعد تازه «على تری أنه لو أراد قتل رجل» در این‌جا «ضرب و اُذَّب بل يُقتل إن لم یمكن دفعه بدون» یک غیر بالغی هست می‌خواهد یک نفر را بکشد که مهدور الدم نیست محقون الدم است یک آدم محقون الدمی را می‌خواهد بکشد این‌جا باید جلوی او را گرفت نهی کرد حتی با زدن اگر، و اگر این هم نمی‌شود باید کشتش تا او را نکشد ایشان می‌فرماید حالا فتوای ایشان است «بل يُقتل إن لم یکن دفعه بدون» بعد فرق‌های دیگر را هم فرموده «و یُحکم على عاقلته بضمان بعض فلان» و همین‌طور و همین‌طور تا آخر. یا فرموده «لو زنا اولات لأُزِّر و اُذَّب و لو اراد ذلك لمُنع اشد المنع و کذا لو شرب الخمر و نحوه ولو سرق لقطعت أنامله ثم اصابعه ثم یده على تفصیل و خلاف مذکور فی محله و لکن لو ترک الصلاة و نحوها من الواجبات لم یُقتل و لم یُقطع یده فعلم أنَّ تحریم اقوی من الوجوب» پس معلوم می‌شود حرام در شرع اقوا از وجوب است فلذاست که ما در شبهات تحریمیه احتیاط قائل هستیم ولی در شبهات وجوبیه برائت قائلیم. علی‌ای حال حالا این فرمایش این محدث بزرگوار هست که ایشان هم این تفصیل را دارند.

و آخرین تفصیل این است که گفته بشود آن‌چه که غیر بالغ مکلف به آن است و او تکلیف را دارد انجام نمی‌دهد یؤمر و یُنهی، اما آن‌چه که آن غیر بالغ مأمور به انجام او نیست مکلف به انجام او نیست این در آن‌جا امر و نهی از باب امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود بنابراین از باب امر به معروف نه از باب وظایف دیگر، از باب امر به معروف این جور تفصیل بدهیم که حق به نظر ما این تفصیل اخیر است که بگوییم هر موردی که آن غیر بالغ مکلف است این‌جا اگر اطاعت نمی‌کند در واجباتش انجام نمی‌دهد در محرماتش ترک نمی‌کند یؤمر و یُنهی. اما آن‌جایی که مکلف نیست از باب امر به معروف و نهی از منکر ما وظیفه‌ای نداریم از باب امر به معروف و نهی از منکر، ولو این که ممکن است که از باب دیگری وظیفه داشته باشیم که جلوی او را بگیریم. آیا غیر بالغ وظایفی دارد؟ بله چون دیروز گفتیم و امروز هم عرض کردیم یک مواردی است که تکالیف شرعیه مشروط به بلوغ نیست مثل عزائم امور، حالا یک عزائم اموری هست این غیر بالغی ایستاده می‌بیند دارد این کار خلافی که از عزائم امور است هیچ چیز نمی‌گوید ما علاوه بر این که وظیفه داریم خودمان نسبت به آن نهی کنیم نسبت به سکوت این هم باید به او بگوییم که مُر، یا اگر می‌بینیم گفتن ما اثر ندارد باید به او بگوییم که امر بکن،

نهی بکن، وظیفه‌اش هست آن‌جا. و هم‌چنین بعضی از واجبات دیگری که محل البته محل خلاف است ولی از بعض آیات مبارکات یا ادله استفاده می‌شود که شارع یک تکالیفی بر گردن غیر بالغ‌ها هم گذاشته من جمله این آیهی شریفه است که محل کلام بین فقهاست خاصه و عامه، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصَوُّونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ» سورهی مبارکه‌ی نور آیهی 58، امر دارد می‌فرماید لِيَسْتَأْذِنُكُمُ، دو طایفه باید از شما اذن بگیرند برای داخل شدن در سه وقت، یکی ما ملکات ایمانکم هست یعنی عبد و إماء شما، عبد و إماء شما همین‌جوری در این سه وقت حق ندارند وارد بشود باید اذن بگیرند یکی هم فرزندان شما که بالغ نشدند لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ، اما قبل از صلاة الفجر حق ندارد توی اتاق پدر و مادرش همین‌جوری وارد بشود، باید در بزند اجازه بگیرد اگر اجازه دادند وارد بشود و هم‌چنین وقت دوم وقت حرارت است وقتی که گرما هست و حالا ممکن است که لباس‌هایشان را درآورده باشند، این‌جا هم شارع فرموده بر فرزند ولو بالغ نیست حق ندارد همین‌جوری وارد بشود باید اذن بگیرد و هم‌چنین بعد از صلاة العشاء که معمولاً بعد از صلاة عشاء بخصوص آن وقت‌ها دأب بوده که می‌خوایدند مردم بعد صلاة العشاء، حالا تا ساعت، یعنی بعد صلاة العشاء حالا نمی‌دانم تا ساعت چند.

خب حالا این آیه محل کلام است که واقعاً از آن تکلیف برای غیر بالغ‌ها استفاده می‌شود یا این که امر به والدین است که شما به آن‌ها بگویید که این کار را نکنند و خودشان. محل کلام است بعضی‌ها قائل شدند به این که نه این تکلیف بر خود آن غیر بالغ‌ها خدا فرموده این‌جا از مواردی است که بلوغ شرط نیست این مخصص ادله‌ی، رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ الا این‌جا، این‌جا رفع نشده است این دارد تخصیص می‌زند رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الصَّبِيِّ، حالا اگر ما یک مواردی پیدا کردیم که یکی از مواردش من جمله همین‌هایی است که این‌ها از عزائم امور هم نیستند شارع بر غیر بالغ تکالیفی قرار داده حالا آن انجام نمی‌دهد این تکلیفش هست آن‌جا جای امر به معروف و نهی از منکر است. ان شاء الله این‌ها اقوال مسئله بود و اما الادله ان شاء الله فردا.

و صلى الله على محمد و آل محمد.